

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۰۲ جنوری ۲۰۱۹



جويای آغوش

من آن جويای آغوشم که از گل پيرهن دارم
خروشم ناله ام آهم گداز قلب خونينم
خروش ناله ام تفسير احساس است در حيرت
سراپا شوقم از بوی نسيم مقدم نازش
نمی دانم چسان پروازگر شد ناوک حسنش
به پایش سر فگندم تا به دامانش دهد جایش
چو یک خمخانه می دارد به کنج آن لب ميگون
زمستی کاکل افشان عشوه گر شد چون در آغوشم
حجاب از آن حرير ناز بر تن در برم آمد
چوشاخ نازک نیلوفری گرد تنم پیچید
درون سينه دریا تلاطم می کند غوغا

عبير نافه مشک ختن زیر یخن دارم
سپند آسا به کنج مجمر حسنی وطن دارم
من آن بلبل که زخمین تن زهر زاغ و زغن دارم
هزاران شکوه از هجرش نهان در این سخن دارم
نمی داند درون سينه ام زخمی کهن دارم؟
امیدی یک نفس گفتار ز آن شیرین دهن دارم
پی پوش تنش صد غنچه گل از هر چمن دارم
لبانش بر لبم چون رشک یاقوت عدن دارم
سحر دیدم حجاب از نازک اندامی به تن دارم
یقینم شد در آغوشم نگار گلبدن دارم
که من موجی زگوهرهای آن سيمين بدن دارم

"مختار دریا" ۱۴ سپتمبر ۲۰۱۶ کانادا